

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۳ فروری ۲۰۲۳

چماقداران سلطنت طلب یک تظاهرکننده را در بروکسل راهی بیمارستان کردند!

«اول سراغ سوسیالیست‌ها آمدند،

سکوت کردم چون سوسیالیست نبودم.

بعد سراغ اتحادیه‌های کارگری آمدند،

سکوت کردم زیرا جزو اتحادیه‌ی کارگری نبودم.

بعد سراغ یهودی‌ها آمدند،

سکوت کردم چون یهودی نبودم.

سراغ خودم که آمدند،

دیگر کسی نبود تا به اعتراض برآید»

(این نقل قول، از سخنرانی «مارتین نیمولر» در اوایل دوران پس از جنگ به جا مانده است.)

حسن حبیبی هوادار مجاهدین خلق و شورای مقاومت ملی ایران، در تظاهرات دوشنبه اول اسفند – ۲۰ فوریه در گردهمایی ایران در بروکسل، به دلیل این که پلاکارد «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد چه رهبر» توسط ساواکی‌ها و شعبان بی‌مخ‌های وابسته به رضا پهلوی، او را بر روی زمین خواباندند و با جسم آهنی به سر او زدند تا بیهوش شد و به بیمارستان منتقل گردید.

در فیلمی دیده می‌شود که نخست «لباس شخصی‌ها شاه‌الهی» همانند لباس شخصی‌های حزب‌الهی جمهوری اسلامی، ابتدا او را از میان جمعیت گرفتند و به نزدیک سن بردند و بر روی زمین خواباندند و سپس با یک جسم سنگین فلزی به قسمت پایینی جمجمه او زدند تا بیهوش شود.

فیلم حمله ساواکی‌ها به حسن حبیبی در تظاهرات بروکسل نه توسط تلویزیون انترنشنال که منجر به بیهوشی و انتقال وی به بیمارستان شد، توسط برخی شرکت‌کنندگان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. چماقداران سلطنتی که از جمله در تظاهرات‌های مونیخ و بروکسل مسئولیت انتظامات را داشته یکی از عوامل اصلی و محرک ضرب و جرح حسن حبیبی هستند.



تصاویری از مهاجم و جمعیت و حسن حبیبی در بیمارستان



مهاجم سلطنت‌طلب با حامد اسماعیلیون و مسیح علینژاد

برخی از شرکت‌کنندگان می‌گویند که سلطنت‌طلبان از همان آغاز تجمع بروکسل به گرایش‌های دیگر به ویژه کسانی که پرچم بدون شیرخورشید و یا باندول‌های «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد چه رهبر»، توهین‌آمیز و تهاجمی برخورد می‌کردند. آن‌ها طوری نشان می‌دادند که این حرکت در کنترل آن‌هاست. حتی در گوشه‌ای از گزارش تلویزیون انترنشنال دیده می‌شود که خانم سلطنت‌طلبی که پرچم سلطنتی بر دست دارد از روبروی گزارشگر این تلویزیون دستش را دراز کرده تا شعار «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد چه رهبر» را از دست جوانی بگیرد. یک خانم هم با گذاشتن یک پست از تجربه خودش در رویارویی با مهاجمین سلطنت‌طلب می‌گوید:



SA Har Kulan

18 h • 6

اینم چنگول یک شاه الهی و هزار تا فحاشی و هتک حرمت به زنده و مرده من و به قصد کشت به من حمله ور شد تو اتوبان تو راه مثلاً رفتن برای فریاد زدن اعتراض‌ها من ،، خیلی وحشی گونه به من حمله ور شد . اینم سلطنت طلب . کسی دم از اتحاد نزنه که اینها دنبال اتحاد نیستن بلکه داشت میگفت که به زور باید حتمن ما بپذیریم پهلوی بیسواد رو . خیلی بی چاک و دهن بود و هر چی لقب خانوادگیش بود به من نصبت داد . با جماعت سلطنت طلب تحت هیچ شرایطی نباید همدم و همراه شد چون بدتر از اخوندهلن. آمدن تو اوج دموکراسی و آزادی زندگی میکنم دم از فرهنگ ۲۵۰۰ ساله میزنن اما از اخوندها بدتر و وحشی تر و زبان نفهم تر هستند . نتونستم تو راهپیمایی شرکت کنم بخاطر این آدم نالایق و نفهم متأسفانه

برگزار کنندگان و گردانندگان تظاهرات بروکسل که شخص ضارب با آن‌ها عکس گرفته موظفند در این مورد معین برای افکار عمومی شفافسازی و موضع خود را در مورد رضا پهلوی و ساواکی‌ها و شعبان بی‌مخ‌ها و نفوذی‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی در میان آن‌ها، مشخص کنند.

راهپیمایی بروکسل از ساعت ۱۱ صبح در Gare du Nord این شهر شروع شده و مقصد آن کمیسیون اروپا در خیابان Rue de la Loi این شهر بود.

با شروع اعتراضات سراسری به قتل حکومتی ژینا (مهسا) امینی در بازداشت گشت ارشاد، ایرانیان خارج از کشور در حمایت از معترضان داخل کشور، تجمعات پرشماری در شهرهای مختلف جهان برگزار کرده بودند.

معترضان با تجمع در مقابل کمیسیون اروپا، خواستار قرار دادن سپاه در لیست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا شوند. این تجمع همزمان با برگزاری نشست شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا برگزار شد.

یکی از درخواست‌های اصلی و مشخص معترضان اضافه شدن سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران به فهرست سازمان‌های «تروریستی» اتحادیه اروپا است.

شرکت‌کنندگان همچنین خواستار تعطیلی سفارت‌های جمهوری اسلامی در کشورهای غربی هستند

ایرانیان در این تجمع شعارهایی مانند «انقلاب، تنها راه حل است»، «زن زندگی آزادی»، «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد چه رهبر»، «کرد و ترک و بلوچ برادرند»، «مرگ بر دیکتاتور» و «سپاه پاسداران تروریست است» سر می‌دهند.



البته برخی‌ها مدعی‌اند که موضع سیاسی رضا پهلوی را باید از طرفداران ساواکی و چماقدارانش جدا کرد و توجیه‌شان این است که او از این خشونت‌طلبی و چماقداری طرفدارانش در تظاهرات‌های شهرها و کشورهای مختلف بی‌خبر است. اما آیا او می‌تواند بگوید که از شعار شریک زندگیش در شبکه‌های اجتماعی نیز خبر ندارد. او نوشته است:

«مرگ بر کمونیست و مرگ بر مجاهد!»

استوری یاسمین پهلوی همسر رضا پهلوی، با شعار «مرگ بر سه فاسد - ملا، چپی، مجاهد»!



یا شعار «مرگ بر سه فاسد ملا چپ و مجاهد» در پشت سر گزارشگر تلویزیون انترنشنال. او همواره در گزارشات خود صف سلطنت‌طلب‌ها را نمایش می‌دهد و بقیه را سانسور می‌کند کاری که در تظاهرات بروکسل نیز تکرار کرد.



معنی عملی این شعار چیست؟ جز این که فراخوانی باشد به چماقداران و ساواکی‌هایی که در صفوف تظاهرات‌ها ایرانیان به جای همبستگی با مبارزات داخل ایران و مبارزه علیه جمهوری اسلامی، علیه کمونیست‌ها و مجاهدین یورش ببرند، پرخاشگری کنند و مانند نمونه بروکسل دست به خشونت فیزیکی هم بزنند. نیروهایی که هم علیه حکومت دیکتاتوری محمدرضا شاه و هم در ۴۴ سال گذشته علیه جمهوری اسلامی بر خلاف سلطنت‌طلبان، با جان و دل مبارزه کرده‌اند و آگاهانه نیز قربانیان زیادی داده‌اند.

تاکنون رضا پهلوی و نزدیکانش هرگز این گستاخی‌ها و لمپنیسم طرفداران خود را محکوم نکرده‌اند پس موضع این‌ها را چگونه باید تفسیر و تحلیل کرد؟!

در چنین روندی پرریز جالب است که مصطفی هجری از رهبری حزب دموکرات کردستان ایران، در گفت‌وگویی با بی‌بی‌سی، رسماً اعلام کرده که به مذاکرات خود با سلطنت‌طلبان خاتمه می‌دهند. حال ببینیم عبدالله مهندی و یا دیگرانی که تاکنون با سلطنت‌طلبان بده و بستانی داشتند اکنون چه موضعی خواهد گرفت.

اخیراً سلطنت‌طلبان پرویز ثابتی، این چهره مخوف ساواک را در تظاهراتی در آمریکا رونمایی کرده بودند پیام روشن‌شان این بود که ما سلطنت‌طلبان طرفدار رضا پهلوی که آرزوی احیای حکومت‌های دیکتاتوری پهلوی‌ها در ایران را داریم بنابراین حق داریم که همانند شعبان بی‌مخ مخالفین خود را ضربه مغزی کنیم؛ شعار «مرگ بر کمونیست و مجاهد» را سر دهیم و تاکید کنیم که اگر ما به قدرت برسیم همه انقلابیون سال ۵۷ که در سرنگونی حکومت استبدادی محمدرضا شاه شرکت داشتند امنتقام سختی خواهیم گرفت و از هم اکنون طناب‌های دار را گره زدیم تا به گردن آن‌ها بیاندازیم. همچنین این گروه که تا دیروزی منزوی بودند و رهبرشان نیز با پول‌های غارت شده مردم ایران، مشغول تجارت بود اکنون با پول و وعده پست و مقام دست به کار سازمان‌دهی ساواک و چماقداران طرفدار شعبان بی‌مخ شده‌اند حتی شعار انقلاب «زن، زندگی، آزادی» را به شعار ارتجاعی مردسالاری «مرد، میهن، آبادی و «شاه، میهن، آبادی» تغییر داده‌اند.

اکنون ضرورت دارد فعالین سیاسی خارج کشور، که زندان‌های حکومت پهلوی و جمهوری اسلام را تجربه کرده‌اند آستین‌ها را بالا بزنند و پرویز ثابتی و مهاجمین سلطنت‌طلب تظاهرات بروکسل و کشورهای دیگر اروپایی که به مردم کرد و ترک و بلوچ و عرب و لر و گیلک و غیره توهین کردند و در راس همه شخص رضا پهلوی غیرمستقیم به آن‌ها مارک «تجزیه‌طلبی» زده است در حالی که خلق‌های تحت ستم ایران که اکثریت جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند حدود یک قرن است که از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و اجتماعی و فرهنگی خود، یعنی از تدریس به زبان مادری‌شان محروم

هستند؛ شهروند درجه دو به حساب می‌آیند، بیکاری و فقر و محرومیت در مناطق غیرفارس غوغا می‌کند، هنوز اعلام استقلال و جدایی از ایران نکرده‌اند. البته باید تاکید کرد که مردم فارس نیز چندان حال و روزگار خوبی دستکم در قرن اخیر در حاکمیت‌های پهلوی و جمهوری اسلامی نداشتند و ندارند. بنابراین این مردمان تحت ستم ایران، صد در صد حق دارند و حق مسلم‌شان است که خودشان مستقیماً و بدون دخالت دیگران و سرکوب دولتی در فضایی آزاد و برابر و آگاهانه و داوطلبانه تصمیم بگیرند که آیا از ایران جدا شوند و یا در چارچوب ایران زندگی کنند. اما تاکنون بر خلاف ادعاهای رضا پهلوی و طرفدارانش، تاکنون هیچ‌کدام از مردمان تحت ستم ایران پرچم جدایی از این و استقلال خود را رسماً و علناً بلند نکرده‌اند. شاید محافل کوچک و حاشیه‌ای وجود داشته باشد که چنین زمزمه‌هایی دارند و آن‌هم در یک جامعه ۸۵ میلیونی غرمتزقه به‌نظر نمی‌آید. حتی زمزه در هر صورت شرط اول تأمین حقوق اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زبانی آن‌هاست و برقرار حقوق یکسان و برابر بین همه شهروندان سراسر ایران، بدون توجه به ملیت، جنسیت، تفاوت‌های سیاسی و مذهبی.

تلویزیون‌های وابسته به‌دولت‌ها و محافل راست از جمله تلویزیون انترنشنال، تنها صفوف و پرچم سلطنت‌طلبان را با تصاویر رضا پهلوی نشان می‌دهند و عملاً انقلاب مردم را به نمایش قدرت کاذب و غیرواقعی سلطنت‌طلبان تبدیل کرده‌اند تا با نشان دادن آن‌ها در محافل دولت‌های غربی، از یک سو به نان و نوای بیش‌تری برسند و از سوی دیگر، از هم‌اکنون در تلاشند انقلاب را به ارتجاع تبدیل کنند کاری که رضا خان با انقلاب مشروطیت و خمینی با انقلاب ۵۷ کرد. اکنون نیز به‌نظر می‌رسد این وظیفه را رضا پهلوی عهده‌دار شده است که تاکنون غیر از شمارش پول و کار تجارت، کار دیگری بلد نبود اما شدیداً عاشق قدرت و ثروت است با دین انقلاب نزن، زندگی، آزادی» سخت به تکاپو افتاده است که مانند رضا خان و خمینی این انقلاب را به خاک و خود بکشند و مجدداً سلطنت را در جامعه ایران احیا کنند. شاید چنین تصویری در خواب و خیال وجود داشته باشد اما در دنیای واقعی، بازگشت به عقب حرکتی ارتجاعی و تقریباً یک امر محال است. آن‌هم در شرایطی که افکار کنونی جوانان ایران با افکار انقلابیون سال‌ها انقلاب مشروطیت و انقلاب ۵۷ بسیار متفاوت است. این جوانان هم آگاه‌ترند و هم دنیای را از طریق دنیای مجازی می‌شناسند و به‌همین دلیل، سلطنت‌طلبان و شاه‌دوستان هرگز نمی‌توانند این نیرو را زیر بگیرند مگر این که وقایع عراق و لیبی و افغانستان و غیره و همچنین چلبی و کرزای‌سازی این‌بار در ایران تکرار شود که امری محال به‌نظر می‌آید. اما برای بسیاری از گروه‌ها و محافل سلطنت‌طلبان در این مسیر، برایشان مطرح نیست که چه بلایی به سر مردم می‌آید مهم آن است که حتی با جنگ هم شده او به تاج و تخت برسد و انتقام پدر بزرگ و پدرش را به‌ویژه از کمونیست‌ها و مجاهدین بگیرد. اما رضا پهلوی و طرفداران ساواکی و چماقدارش بدانند که چنین رویایی تنها در ذهن آنان وجود دارد و در دنیای واقعی سازمان‌دهندگان و رهبران انقلاب «زن، زندگی، آزادی» و در پیشاپیش همه دختران و زنان جوان، ابداً کاری به تاریخ گذشته ایران ندارند و با تمام قدرت رو به پیش و آینده در حرکتند و در این راه هرگز ناچار نیستند شاه و یا شیخ را انتخاب کنند و به همین دلیل از جمله شعار «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد چه رهبر» را ابلاً برده‌اند و در صفوف صدها هزار نفری خود در سراسر ایران، آن‌را با صدای بلند و رسا سر می‌دهند و رسماً و علناً می‌گویند که راه سومی را انتخاب کرده‌اند و آن‌هم راه اداره شورایی و جمعی جامعه با هدف برپایی یک جامعه نوین آزاد و برابر، مرفه و انسانی در ایران!

اساساً کمپین «وکالت می‌دهم» رضا پهلوی با حذف شعار پایه‌ای انقلاب کنونی ایران «زن، زندگی، آزادی» با شعار «مرد، میهن، آبادی» که در زیر تصاویر بزرگ رضا پهلوی نوشته شده است جایگزینی ناشیانه انقلاب با احیای سلطنت و پدرسالاری در قدرت و حاکمیت است.

سلطنت‌طلبان رو به گذشته دارند و می‌خواهند سلطنت سرنگون شده ۴۴ سال پیش را مجدداً احیا کنند و از همه انقلابیون سال ۵۷ که در سرنگونی محمدرضا شاه نقش داشتند انتقام سختی بگیرند؛ در حالی که انقلاب کنونی جامعه ایران، یعنی انقلاب «زن، زندگی، آزادی» رو به آینده و بر علیه پدرسالاری و مردسالاری و حکومت‌های موروثی سلطنتی و مذهبی است و می‌خواهد جامعه نوینی با معیارها و ارزش‌های آزادی‌خواهانه، برابری‌طلبانه، انسان‌دوستانه بدون تبعیض و استثمار انسان از انسان قرن بیست و یکم را برپا سازد!

واقعا «اتحاد» بین این دو گرایش (سلطنت‌طلبی و انقلابی) را از سر منطق و اصول و قاعده سیاسی، چگونه می‌توان توضیح داد؟! آیا می‌توان کمترین نزدیکی سیاسی و اجتماعی بین این دو گرایش پیدا کرد؟!

چهارشنبه سوم اسفند ۱۴۰۱ - بیست و دوم فبروری ۲۰۲۳

ضمیمه:

*بهرام رحمانی: رونمایی «پرویز ثابتی» این چهره مخوف ساواک توسط شاهپرستان چه پیامی به مردم انقلابی ایران دارد؟

لینک این مطلب: [بهرام رحمانی: رونمایی «پرویز ثابتی» این چهره مخوف ساواک توسط شاهپرستان چه پیامی به مردم انقلابی ایران دارد؟ \(iran-tribune.com\)](http://iran-tribune.com)